

مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد

۲۰۲۶ / ۴ / ۲۴

کاندید اکادميسين سيستاني

پیامد سیمناهای آنلاين داکترخالدی و داکترستانیزی

در رابطه به تعویض روز استقلال افغانستان

از سپتامبر ۲۰۲۵ تا کنون داکتر خالدی و داکترستانیزی دو سیمنا آنلاين ویک مصاحبه تلویزونی باحبیب هوتک سازماندهی کردند که پیامدهای هر یک از این سیمناها و مصاحبه ها عکس العمل های قلمی عناصر ملی اندیش و مدافعان ارزشهای ملی بوده است.

داکتر زمان ستانیزی و داکتر نوراحمدخادی بجای اینکه در مورد مبرم ترین مسایل روز افغانستان یعنی باز شدن دروازه های لیسه ها و تحصیلات عالی دختران و زمینه کار برای زنان و خانمهای محروم سیمنا دایر کنند و تجارب و پیشنهادات سالم و سودمند را در اختیار هموطنان خود بگذارند، برعکس در باره تاریخ افغانستان سیمنا دایر میکنند و در آن سعی میورزند تاریخ کشور را بجای ترمیم یا تکمیل ، تحریف کنند و با طرح تئوریهای ناقص خود در واقع به شعور قشر تحصیل کرده و آگاه افغان ریشخند بزنند. این طرح های بی بنیاد و غیر سازنده با عکس العمل های عناصر تحصیل کرده روبرو میشود. و بالنتیجه فاصله میان قشر روشنفکر را زیادتر میکند.

یکی از پیامدهای این سیمناهای هوسانه و طرح های من درآوردی این است که هردو داکتر (داکتر خالدی و داکتر زمان ستانیزی) هم در گذشته و هم در حال حاضر مورد انتقادات شدید قرار گرفته اند. در پاسخ به موضع گیری جنجال برانگیز ایشان در سال ۲۰۲۵ از طرف داکتر سید عبدالله کاظم مقالات مفصلی نوشته شد و من و لمبه رنگریز و برخی نویسندگان ملی گرای دیگر نیز در تردید نظرات آن دو داکتر مقاله نوشتیم که میتوان آنها را در پورتال افغان جرمن در آرشیف مقالات مطالعه کرد.

در تاریخ ۲۱ اپریل ۲۰۲۶ باز هم داکتر خالدی و داکتر ستانیزی سیمنا آنلاينی تاریخ را برگزار کردند و در آن همان سخنان سست بنیاد سال گذشته خود را تکرار نمودند .



د پانو شمیره: له ۱ تر ۴

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلیکني د لیکنيزې بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیولو مخکي په خیر و لولئ

تلاش این دو داکتر اینست که روز پیروزی قیام قندهار بر رهبری میرویس خان هوتکی برسلطه صفوی ایران در ۱۷۰۹ رابحیث روز استقلال ملی ، بجای روز ۲۸ اسد ۱۲۹۸ یعنی روز اعلام استقلال افغانستان که در نتیجه جنگ سوم افغان وانگلیس وامضای معاهده صلح راولپندی در ۸ اگست ۱۹۱۹ حاصل شده است جاگزین کنند و روز ۲۸ اسد تنها بحیث روز ملی یاد شود و مثل سالهای قبل تجلیل نگردهد.

استدلال این دو داکتر اینست که افغانستان از ۱۷۰۹ تا سال ۱۹۱۹ مستقل بوده و هیچگاه مستعمره کشور خارجی نبوده است. آنها سقوط دولت هوتکی قندهار را بدست نادر افشار نادیده میگیرند. این دو داکتر احمدشاه ابدالی را بحیث موسس دولت معاصر افغانستان نمی شناسند و دولت احمدشاه را ادامه دولت هوتکی قندهار می شمارند. درحالی که احمدشاه درانی در ادامه دولت هوتکی نیامده است بلکه بعد از یک گسست ده سال حکومت نادرشاه افشار (از ۱۷۳۸-۱۷۴۷) ظهور کرد و افغانستان را از نو بنیاد گذاشت و قلمرو حاکمیت خود را از قندهار تا دهلی در شرق و تا مشهد و نیشاپور در غرب و در شمال تا رود آمو و در جنوب تا بحر هند توسعه داد. اما قلمرو احمدشاه تا اخیر بیک منوال نماند و قدرتهای استعمار انگلیس و روس از آغاز قرن ۱۹ بخش های از امپراتوری احمدشاهی را اشغال کردند و پس از دومین تجاوز انگلیسدر ۱۸۷۹ افغانستان بحیث کشور تحت الحمایه انگلیس درآمد و این تحت الحمایگی تا زمان بقدرت رسیدن امان الله خان در ۱۹۱۹ ادامه داشت. مگر این دو داکتر، وضعیت تحت الحمایگی افغانستان را قبول ندارند و می گویند که با مرگ امیر حبیب الله خان معاهدات قبلی خود بخود ملغی و افغانستان مستقل شده بود و شاه امان الله جنگ سوم را با انگلیسها در اثر تشویق آزادی خواهان هند در کابل براه انداخت. خالدی میگوید استقلال ۱۹۱۹ جز اینکه پای اتحادشوری را به افغانستان باز کرد نتیجه دیگری نداشت. خالدی میگوید روز ۲۸ اسد فقط برای هواداران کیش شخصیت (اصطلاحی که در مورد رهبران کمونیست و فاشیست بکار میرود) مهم است نه برای دیگر افراد ملت. (به صبح خالدی در یوتیوب رجوع کنید)

همین اظهارات سطحی داکتر خالدی درباره علت و هدف جنگ سوم افغان وانگلیس ، توهین بزرگی به نهضت مشروطیت و مرام آن نهضت و در رأس به شاه امان الله شمرده میشود. نهضتی که برای رسیدن به آزادی و استقلال قربانی های زیادی هم در عهد امیر حبیب الله خان سراج و هم در عهد نادر خان داده بود. بطور نمونه عبدالرحمن لودین و عبدالهادی داوی در زندان ارگ شکنجه های توان سوز را متحمل شده بودند. کشتن غلام نبی خان چرخ و بعد عبدالرحمن لودین و اعدام محمولی خان دروازی و مهدیخان چنداولی و ده هاتن دیگر از اعضای آن نهضت در عهد نادر خان برای این بود که آنها اعضای عمده نهضت مشروطیت بودند. این اشارت داکتر خالدی حتی به کسانی که درباره نهضت مشروطیت افغانستان کتاب و رساله و مقاله نوشته اند نیز توهین شمرده میشود. از اینجاست که میگوئیم داکتر خالدی و رفیق الهامبخش او داکتر ستانیزی تاریخ را تحریف میکنند.

پیامد چنین سخنان ناشایانه همانا نشر مقالات انتقادی پیهم نویسنده توانای افغان لمبه رنگریز شد که تمام شهرت و دانش این دو داکتر خود خواه و متکبر را با صفر ضرب کرده است. لمبه رنگریز شخصیت تحصیل کرده و با دانش و از هواداران سرسخت شاه مترقی و روشنفکر افغانستان امان الله غازی و نهضت امانی در خارج کشور است. نوشته ها و مقالاتی که از قلم ایشان در دو سال اخیر در فیسبوک و سایت های افغان جرمن آنلاین و دعوت میدیای ۲۴ به نشر رسیده و ما آنها را خوانده ایم بحد تحسین امیزی از فصاحت و بلاغت کلام و استدلال پذیرفتنی برخوردار است که اگر داکتر خالدی

وداکترستانیزی یک یک داکتری دیگر در ادبیات زبان دری بگیرند باز هم به پایه قلم این بانوی خردمند وپر استعداد افغان نمی رسند.

از نظر ما هر دو قیام تاریخی (در ۱۷۰۹ و در ۱۹۱۹) بر ضد سلطه بیگانه بود و منتج به بر انداختن یوغ اجنبی از دوش ملت مآشده است، اما نمی باید کریدت و دست آوردهای یکی را فدای دیگری بکنیم. هریک از این رخداد های حماسی در زمان و مکان خود برای ما پراهمیت و افتخار آفرین اند. در هریک از این رخداد های تاریخی مردم ما از خود شجاعت نشان داده اند و افتخار کمایی کرده و آزادی خود را بدست آورده اند با این تفاوت که یکی به آزادی یک ولایت انجامیده و دیگری به آزادی تمام ولایات افغانستان انجامیده است. و نتیجه قیام دومی که به آزادی و استقلال کشور منتج شده است، از سوی جامعه جهانی برسمیت شناخته شده و بادست آوردهای جدید از قبیل: ایجاد روابط سیاسی و فرهنگی و تجاری با کشورهای دور و نزدیک افغانستان همراه بوده است. ساختن نخستین قانون اساسی در کشور با عالی محتوای حقوقی که با انفاذ آن بردگی و کار اجباری لغو شد و زنان در حقوق با مردان مساوی شناخته شدند. مکاتب تاسیس شد و معارف در سراسر افغانستان برای آموزش فرزندان کشور مجانی و اجباری شناخته شد. اعزام شاگردان برای تحصیلات عالی به خارج از کشور ایجاد سینما و تیاتر و کتابخانه و نشر جراید و مجلات در مرکز و ولایت و غیره اقدامات مدنی برای بیداری جامعه روی کار آمد. خلاصه دست آوردهای استقلال ۱۹۱۹ بی شمار است، چیزی که پس از پیروزی قیام قندهار مردم از آن بی بهره بودند. چون این دو رخداد در دو مکان مختلف در دو زمان متفاوت و شرایط متفاوت از هم رخ داده اند، دست آوردها و ثمرات آنها هم از هم متفاوت اند ولی هر دو برای تاریخ ما افتخار آفرین اند.

داکتر خالدی در سیمینار ۲۱ اپریل که موضوع اش: «میرویس خان بانی افغانستان» عنوان داشت، یاد آور شد که مورخان ما در حق میرویس خان قهرمان ملی افغانستان بی غوری کرده اند و اکنون ما می خواهیم او را در جایگاه اصلی اش قرار بدهیم. از سخنان داکتر خالدی چنین بر می آمد که مورخان چون: پوهاند حبیبی و غبار و کهزاد و فرهنگ و فیض محمد کاتب و سایر استادان تاریخ در پوهنتون کابل در حق میرویس خان هوتکی کم لطفی کرده اند. در حالی که هریک از مورخان افغان از میرویس خان بحیث یک شخصیت آزادی خواه و با درایت قندهار یادآوری کرده اند. داکتر خالدی و داکترستانیزی گویا می خواهند حق میرویس خان را از غاصبین بگیرند و آن حق از نظرایشان اینست که منبعد باید میرویس خان را بحیث بنیان گذار استقلال افغانستان و بانی آن بدانند و روز ۲۱ اپریل (اول ثور) را بجای ۲۸ اسد روز استقلال افغانستان، بجیث روز استقلال ملی افغانستان بشمارند و تجلیل کنند.

به نظر میرسد که این دو داکتر شوقی تاریخ، برای حذف دست آورد بزرگ شاه امان الله غازی، این شخصیت کاریزماتیک کشور پروژه گرفته اند و به همین خاطر تلاش میورزند تا به اشکال مختلف ماحصل جنگ سوم افغان و انگلیس (استقلال افغانستان) را کم ارزش جلوه دهند، مگر این بار با رودخروشان اندیشه و قلم لمبه رنگریز نویسنده کم نظیر افغان روبرو شدند و هر چه کاشته بودند سیلاب قلم لمبه جان برد. فراموش نباید کرد که:

۱- ۲۸ اسد روز استقلال افغانستان است و جهان هم همین روز را بنام روز استقلال افغانستان می شناسد، کسی که بخواد به این روز بی احترامی کند و با آنرا بی اهمیت جلوه دهد از خط سرح تاریخ ملی عبور کرده است و می باید جلوش گرفته شود.

۲- موسس دولت معاصر افغانستان، احمد شاه باباست. کسی که غیر از این اصل پذیرفته شده تاریخی

موقف بگیرد و از اهمیت نقش احمدشاه در ساختن افغانستان معاصر بکاهد باز هم از خط سرخ تاریخ ملی عبور کرده و باید جلوش گرفته شود.

۳- میرویس خان هوتکی شخصیت مهمی در تاریخ مبارزات مردم افغانستان است، برای تکریم او و دیگر شخصیت‌های ملی هم‌تراز او میتوان نام شهرها، شهرها، لیسه‌ها و پوهنتون و حتی چاپ بانک نوت را بنامشان پیشنهاد کرد. شاید هیچکسی با آن مخالفت نکند زیرا هر سه شخصیت سمبول‌های ملی اند. بزرگداشت یکی نباید به تخریب دیگری تمام شود. اما داکتر خالدی و داکتر ستانیزی برای برجسته سازی تکریم میرویس خان به تخریب آن دو شخصیت ملی دیگر پرداخته اند. از اینست که با عکس العمل شدید لایحه رنگریز و من و داکتر صاحب کاظم قرار گرفته است. خوشبختانه لایحه جان چون سرباز دلیر نهضت امانی جلو تحریف گران تاریخ را میگیرد و در این راه از چنان پوتانسیل و ظرفیتی برخوردار است که یک تنه میتواند پاسخ تمام دشمنان استرداد استقلال را بدهد، البته که ده هانتن از مدافعان ارزش‌های ملی و علاقمندان شخصیت‌های ملی و هواداران نهضت امانی از موضعگیری این نویسنده محبوب کشور حمایت میکنند.

ابهام درباره روز قیام قندهار:

در حال حاضر هیچ منبع موثقی بغیر از پته خزانه محمد هوتک وجود ندارد که در عصر میرویس خان نوشته شده باشد و روز آغاز قیام میرویس خان را ضبط کرده باشد. اما آن روز هم با ۲۱ اپریل ۱۷۰۹ جور در نمی‌آید. مرحوم حبیبی بحواله «پته خزانه» مینویسد که مولف از قول پدرش روایت کرده که بتاریخ ۲۹ ذی‌قعدة الحرام ۱۱۱۹ به قتل گرگین و لشکر صفوی اقدام شد. اگر روایت پته خزانه یعنی ۲۹ ذی‌قعدة الحرام را بحیث روز آغاز قیام قندهار بپذیریم، همین تاریخ ۲۹ ذی‌قعدة الحرام ۱۱۱۹ نیز مطابق ۲۱ اپریل نمیشود.

روز آغاز قیام قندهار از سوی هیچ یک از مورخان عصر صفوی و قاجاری و مورخان افغانی ذکر نشده است. مثلاً: سلطان محمد قندهاری حادثه قتل گرگین والی صفوی قندهار را ماه صفر ۱۱۲۱ هجری نوشته اما روز آنرا ذکر نکرده است. نواب صمصام الدوله مورخ عهد قاجاری در تاریخ خود سال وقوع حادثه قتل را (۱۱۲۰ هج) ضبط کرده و خافی مورخ عهد امیر شیرعلی خان میگوید در ۱۱۱۹ هجری بدربار محمد اعظم شاه عالم امپراتور هند خبر قتل گرگین رسید. میرزا محمدخلیل صفوی حدوث این حادثه را سال ۱۱۲۲ هجری نشان داده است. (رک: تاریخ مختصر افغانستان از حبیبی، بر عنوان هوتکیان)

من از هوش مصنوعی چنین پرسیدم: «۲۹ ماه ذی‌قعدة الحرام سال ۱۱۱۹ مطابق کدام روز و ماه سال عیسوی میشود؟» پاسخ داد: «بر اساس محاسبات نجومی متداول: ۲۹ ذی‌قعدة سال ۱۱۱۹ هجری قمری تقریباً برابر است با: ۳ یا ۴ فبروری سال ۱۷۰۸ میلادی» دوباره از هوش مصنوعی پرسیدم: درباره میرویس خان معلومات بدهید، در جوابم مطالب داکتر خالدی را گذاشت که در سایت دعوت میدیا خوانده بودم. بنابراین دیده میشود که خالدی و ستانکزی در تثبیت روز آغاز قیام قندهار در سال ۱۷۰۹ مرتکب جعل تاریخی شده اند. فقط آنچه همه منابع فارسی و پشتو در ذکر آن متفق القول اند اسم ماه صفر است که در پیشوند سال‌های: (۱۱۲۲، ۱۱۲۱، ۱۱۲۰، ۱۱۱۹ هج) آمده است با این تفاوت که مولف پته خزانه بجای ماه صفر ماه ذی‌قعدة الحرام را ذکر کرده است. پایان ۲۵ / ۴ / ۲۰۲۴

آرشیف: مقالات کانديد اکادميسن سيستاني

د پانو شميره: له ۴ تر ۴

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: د لیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکي په خبر و لولئ